

## جنبش سندیکایی کارگران در برابر آزمونی دشوار!

اصلاح قانون کار نقش نمایندگان مجلس در آن، با صراحت خاطر نشان ساخت: "موضوع اصلاح قانون کار را نباید کسانی که ذی نفع هستند، تبلیغاتی و سیاسی کنند، قانون کار فعلی قطعاً مثل هر قانونی دیگر بعد از گذشت بیست و چند سال نیاز به اصلاح دارد، قانون کار همواره از موارد بحث برانگیز در کشور ما در طول سالهای گذشته بوده است و خیلی ها معتقدند قانون کار فعلی

**\* خاموشی رییس اتاق بازرگانی ایران: مسئله تامین بول برای اجرای پروژه ها نیست، بلکه باید مشکلات مربوط به تنظیم بازار کار [بخوان قانون کار] را بر طرف کنیم، بازار سرمایه گذاری خارجی به سوی ایران باز است.**  
**\*\* یک کارگر: در فقر زندگی می کنیم و می خواهند ما را به فقر فقر و فلاکت بکشانند، آیا این است مفهوم عدالت ومهرورزی، به کجا پناه ببریم!؟**

هنگامی که گروه بزرگی از کارگران و زحمتکشان میهن ما در اعتراض به سیاست های ضد کارگری دولت ارتجاع که به وسیله وزارت کار در حال پیاده شدن است، تظاهراتی را در برابر مجلس شورای اسلامی برپا کرده بودند، غلام علی حدادعادل رییس مجلس طی یک مصاحبه مطبوعاتی و در پاسخ به پرسشی در باره طرح



ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۷۵۳، دوره هشتم  
سال بیستم، ۱۶ آذر ماه ۱۳۸۵

ادامه در صفحه ۲

### واگذاری سهام به قشرهای کم درآمد: از ادعا تا واقعیت

یکی از مهمترین برنامه های دولت احمدی نژاد که، بحث های فراوانی را در میان محافل درون و پیرامون حاکمیت برانگیخته، موضوع واگذاری سهام عدالت به توده های محروم جامعه است. تبلیغات مرتجعان حاکم در این خصوص ناظر بر این امر است که با واگذاری سهام عدالت و مشارکت وسیع مردم به ویژه طبقات کم درآمد و تهیدست، مسئله برابری و عدالت اجتماعی حل شده و یا حل می شود.

روزی نیست که در این باره شاهد ادعاهای گوناگون نباشیم، یکی از آخرین نمونه های چنین مدعیاتی، سخنان مصطفی پور محمدی وزیر کشور دولت نهم است. توجه به این موضع گیری به دلایل مختلف حائز اهمیت فراوان بوده و نشانگر واقعیت

ادامه در صفحه ۳

ده دسامبر روز جهانی حقوق بشر در ص ۴  
به مناسبت سالروز ۲۱ آذر در ص ۵  
ترور "پی یو جمیل" منافع چه کسانی  
را تأمین می کند در ص ۷  
شرکت هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب  
توده ایران در کنفرانس پراگ در ص ۸

### سالروز رویداد تاریخی شانزدهم آذر خجسته باد - اتحاد، مبارزه،

#### پیروزی: شعار سرنوشت ساز جنبش دانشجویی

تاریخ جنبش دانشجویی و چه از لحاظ تاریخ جنبش مردمی ایران، در رویارویی با خودکامگی، وابستگی، بی عدالتی و فساد حاکم بر دستگاه های کشوری و لشکری رژیم شاهنشاهی، و میراث خجسته این رویداد در مبارزه با استبداد ولایت فقیه کنونی حاکم بر سرنوشت مردم میهن ما، دارای ویژگی های ماندگار است.

از جمله این ویژگی ها "اتحاد" گرایش های متفاوت سیاسی و اجتماعی در امر مبارزه مشترک با استبداد شاهنشاهی بود، که در آن دوران با کودتای سازمان یافته از سوی دربار و سازمان های جاسوسی آمریکا و انگلیس نخست وزیر قانونی را به زیر کشیده، به حزب توده ایران یعنی تشکل سیاسی زحمتکشان و روشنفکران ایران

اعتراض های پر شور دانشجویی در ۱۶ آذر ۱۳۳۲، یعنی چهار ماه پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، که متوجه همه جنبه های اداره کشور توسط کودتاچیان براریکه قدرت تکیه زده بود، همچون آذرخشی غران زندگی اجتماعی - سیاسی به سکون و سکوت کشانده شده میهن را به تکان واداشت، و در هنگامه خونین



آن سه تن دانشجوی دلیر: مصطفی بزرگ نیا (عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان توده ایران)، احمد قندچی (هوادار دکتر مصدق)، و مهدی شریعت رضوی (عضو سازمان جوانان توده ایران) توسط رژیم کودتایی کشته شدند و بسیاری از دانشجویان دیگر زخمی و بازداشت شدند. این رویداد مهم، چه از منظر

ادامه در صفحه ۶

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

# برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"

## ادامه جنبش سندیکایی در برابر آزمونی ...

ضد کار آفرینی [به خوان کار فرمایان] است و دست و پای سرمایه گذاری کارفرما را می بندد...."

این سخنان نشانگر عزم جدی ارتجاع حاکم در ارتباط با مسئله حقوق کارگران و سیاست اصلاح قانون کار به سود کلان سرمایه داران و قطعی بودن اجرای آن به هر قیمت به معنی سیاست جذب سرمایه خارجی به بهای نابودی امنیت شغلی زحمتکشان قلمداد می گردد. اندکی پس از این موضعگیری بود که محمد جهرمی، وزیر کار، در جمع خبرنگاران درباره اجرای بند ج اصل ۴۴ قانون اساسی و واگذاری سهام شرکت های دولتی اعلام داشت: "خصوصی سازی را در جهت افزایش راندمان تولید و گسترش کار و اشتغال تعریف کرده ایم و اگر واحدهای صنعتی نیازمند اصلاح ساختار هستند با چتر حمایتی صندوق بیمه بیکاری و... مشکل بیکاری برای کارگران را نیز حل خواهیم کرد". وی سپس ادامه داد: "وزارت کار در راستای خصوصی سازی، پیش نویس دوم اصلاح قانون کار را با کمک کارگران و کارفرمایان تهیه کرده که تفاوت های بسیار زیادی با پیش نویس اول دارد و این پیش نویس را دوباره در اختیار تشکل های کارگری و کارفرمایی و کارشناسان حقوق کار و اقتصاد قرار داده ایم، در حال حاضر نیز این پیش نویس دوم اصلاح قانون کار در اختیار شورای عالی کار قرار گرفته و در دست بررسی است...." آنچه محمد جهرمی بدان اشاره می کند، البته چیز تازه ای نیست، در اینجا ما با نوعی فریب روبرو هستیم. اولاً وزیر کار بر پیش نویس دوم اصلاح قانون کار تاکید دارد. این اصطلاح دوم، پرده استتار مقاصد شوم ارتجاع است، زیرا پیش نویس دوم در ارتباط با طرح مشهور به رفع موانع تولید قرار دارد. شخص وزیر به اعتبار این مثل که دروغگو کم حافظه است، در همان مصاحبه ای که در بالا آورده شد، یادآوری می کند: "در جلسه کمیسیون صنایع و معادن، بحث های کارشناسی را در باره رفع موانع تولید ارایه دادم که این موانع تنها به مقررات مربوط نیست. وزارت کار در این زمینه نظرات خود را به صورت مکتوب به مجلس ارایه کرده است." به این ترتیب بدون هیچ شک و شبهه ای این به اصطلاح پیش نویس دوم چیزی جز طرح های قبلی با اندک تفاوت های ظاهری نمی تواند باشد. دوم اینکه ادعای وزیر کار مبنی بر تهیه پیش نویس دوم با کمک کارگران و کارفرمایان و مشورت با تشکل های کارگری و کارفرمایی، پس از انحلال کانون عالی کارفرمایان و نبود سندیکاهای واقعی و مستقل کارگری فقط و فقط یک اقدام پوچ و نمایشی بیش نیست. کدام کارگران و کدام تشکل های مستقل کارگری طرف مشورت وزارت کار هستند و در عین حال چه دسته و کدام گروه از کارفرمایان در این رابطه با جهرمی و وزارت متبوع وی تماس دارند؟!

دولت ارتجاع در یک اقدام حساب شده، پس از انتشار فراخوان هیئت موسسان سندیکاهای کارگری در خصوص اتحاد عمل گروه های مستقل کارگری کشور برای نقد و بررسی لایحه وزارت کار پیرامون اصلاح قانون کار، فعالان شناخته شده جنبش سندیکایی از جمله منصور اسانلو، رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، را دستگیر و فشار بر آنها را به نحوی کم سابقه افزایش داده است. این اعمال فشار و تضییقات دقیقاً در ارتباط با مقاومت و مبارزه

کارگران بر ضد برنامه های ضد کارگری ارتجاع به ویژه طرح اصلاح قانون کار است، و باز با وجود این واقعیت، وزیر کار از مشورت با تشکل های کارگری سخن می گوید! قاعدتاً تشکل های به اصطلاح کارگری نظیر جامعه اسلامی کارگران مد نظر است، تشکل و تشکل هایی که نه پایه و نه نفوذ در میان زحمتکشان دارند و ساخته و پرداخته دستگاه های امنیتی رژیم اند. وضعیت در این زمینه چنان وخیم است که حتی خبرگزاری کار ایران ایلنا که یک نهاد وابسته به حکومت قلمداد می گردد، از سوی دولت احمدی نژاد و وزارت کار آن تحت فشار قرار دارد. در این خصوص چند رخداد مشت ارتجاع را باز و سیمای فریبکارانه آن را افشاء می سازد. رییس سابق کانون عالی شوراهای اسلامی وابسته به خانه کارگر در تاریخ ۱ آبان ماه امسال اعلام داشت، وزارت کار مستقیماً شوراهای جدید و کانون های جدید به نام کارگران ایجاد می کند. او تاکید کرد: "عوامل وزارت کار با حمایت های دیوان عدالت اداری در انتخابات کانون شوراهای اسلامی کار استان گیلان مداخله کرده است. اقدام اخیر اداره کل کار استان گیلان در خصوص تشکیل کانون جدید هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان نشانه نقض و دخالت آشکار دولت در امور داخلی تشکل های کارگری است. هیئت مدیره فعلی کانون شوراهای اسلامی گیلان قصد دارد از اداره کل کار استان گیلان به دیوان عدالت اداری شکایت کند، اما مشکل اصلی کارگران نفوذ شخص وزیر کار در دیوان عدالت اداری است...."

و از دیگر سو در تاریخ ۵ آبان ماه سال جاری خبرگزاری ایلنا خبری را تحت عنوان "وزارت کار ایلنا را تحت فشار قرار می دهد تا واقعیت ها بیان نگردد" از قول یکی از مسئولان خانه کارگر وابسته به جناح های حکومتی مخالف احمدی نژاد یادآوری کرد: "وزارت کار و امور اجتماعی می خواهد با تحت فشار گذاشتن خبرگزاری کار ایران، مانع از اطلاع رسانی این رسانه و هوشیاری جامعه کارگری شود." همه آنچه مورد اشاره قرار گرفت به خوبی نشان می دهد که محتوی پیش نویس دوم اصلاح قانون کار چیست و کدام تشکل ها طرف مشورت آن هستند! اصلاح قانون کار در راستای جذب سرمایه گذاری خارجی و تامین امنیت سرمایه یک سیاست راهبردی در رژیم ولایت فقیه است. دولت بر گمارده ارتجاع می کوشد این هدف راهبردی را به هر صورت ممکن اجرا کرده و زمینه پیوستن جمهوری اسلامی به سازمان تجارت جهانی را هر چه زودتر فراهم کند. بی دلیل نبود که علی نقی خاموشی رییس اتاق بازرگانی ایران در جریان سی و ششمین جلسه هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی که با حضور مسعود میر کاظمی، وزیر بازرگانی دولت احمدی نژاد برگزار شد، ضمن ارایه گزارش از اعزام هیئت تجاری اتاق بازرگانی به انگلستان خاطر نشان ساخت: "پس از ۸۰ سال بخش خصوصی اجازه ورود به صنایع مادر و انحصاری پیدا کرده است [اشاره به اصلاح و تغییر بند ج اصل ۴۴ قانون اساسی به دستور ولی فقیه] پس باید تلاش کنیم تا حق خود را بگیریم، برخورد سرمایه گذاران انگلیسی با ابلاغیه اصل ۴۴ بسیار مثبت بود و ایشان آمادگی خود را برای حضور در بازار ایران اعلام کردند، مسئله، تامین پول برای اجرای پروژه ها نیست، بلکه باید مشکلات مربوط به تنظیم کار را بر طرف کنیم، بازار سرمایه گذاری خارجی به سوی ایران باز است...." این سخنان واقعیت عریان سیاست راهبردی اصلاح قانون کار را به نحوی قاطع بیان و بر ملا می سازد! دولت احمدی نژاد و وزارت کار تحت سرپرستی محمد جهرمی وظیفه اجرای این سیاست را بر عهده دارند. با در نظر گرفتن این مسئله بسیار مهم و فوق العاده خطیر، باید

## ادامه واگذاری سهام به ...

طرح بلافاصله پس از فروپاشی سوسیالیسم در اروپای شرقی و عقب گرد تاریخی دهه ۹۰ سده بیستم، در آن کشورها با توصیه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به مرحله اجرا گذاشته شد. در اروپای شرقی، دولت های جدید کوشیدند تا مردم سهام شرکت ها را به صورت کالا برگ (کوپن) خریداری کنند. این برنامه فقط در خدمت خصوصی سازی لگام گسیخته قرار گرفت و به توزیع ناعادلانه ثروت در ابعاد بی سابقه انجامید که اثرات دامنه دار و بسیار تلخ و ناگوار اجتماعی - فرهنگی باقی گذاشت. در کشورهای شرق اروپا، این طرح منجر به آن شد که موسسات و شرکت های بزرگ و کلان سرمایه داران مرتبط با انحصارات فراملی، سهام های کوچک را به چنگ خود در آورند و یک لایه تازه ای از الیگارشی بر بازار سرمایه مسلط گردید. سرانجام طرح به اصطلاح سهام عدالت نیز جز این نخواهد بود. گفتنی است دولت ارتجاع پنهان نمی سازد که خانواده های سپاه و بسیج، وابستگان ریز و درشت مدافع دولت احمدی نژاد، هیئت های مذهبی که به وسیله پاسداران و بسیجیان اداره می شوند و همه این گونه اشخاص و نهادها در اولویت دریافت سهام عدالت قرار دارند. ارتجاع حاکم تمام نیرو و امکانات خود را در خدمت تحکیم و تثبیت موقعیت و جایگاه خویش و ایجاد و تقویت یک پایگاه اجتماعی قابل اتکاء قرار داده است. آری، این است واقعیت بازی بزرگ واپس گرایان که در راه حفظ نظام انجام می گیرد.

## ادامه جنبش سندیکایی در برابر ...

گفت که جنبش سندیکایی زحمتکشان میهن ما در اوضاع کنونی برای دفاع از منافع بحق کارگران و مجموعه مزد بگیران در برابر آزمونی دشوار قرار گرفته است. درست به این دلیل است که باید از اتحاد عمل گروه های مستقل کارگری کشور استقبال کرد و در جهت ایجاد یک صف متحد و مشترک تلاش و مبارزه کرد. اتحاد و هماهنگی و اشتراک عملی که در درجه نخست معطوف به تامین و دفاع از حقوق بر حق و مشروع کارگران و زحمتکشان باشد و به موازات آن استقلال عمل جنبش سندیکایی را حفظ کرده و تقویت کند. محور این اتحاد عمل بدون تردید احیاء حقوق سندیکایی کارگران است. ارتجاع می کوشد به هر شکل و نحوی نیروی پرتوان مقاومت و مبارزه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را فرسوده و بی اثر سازد. بنابر این وسیع ترین اتحاد عمل ممکن در جنبش سندیکایی کارگران یک ضرورت مبرم تاریخی است. اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی موجود میان گروه های زحمتکشان هرگز مانع غلبه ناپذیر در راه این اتحاد عمل نیست و نباید باشد. ما بارها گفته ایم و باز تاکید می کنیم که، وجود یک سازمان سندیکایی نیرومند، مردمی، متشکل، که درهایش به روی همه مزد بگیران باز باشد ضرورت داشته و دارد تا برای تحقق خواست های فوری و دفاع از حقوق زحمتکشان و حرکت در راستای احیاء حقوق سندیکایی عمل و اقدام کند. این وظیفه ای دشوار در اوضاعی بس نامساعد است، اما غیر واقع بینانه و غیر عملی نیست. جنبش سندیکایی کارگران و زحمتکشان ایران در لحظه کنونی به یک تلاش فراگیر و اتحاد عمل وسیع نیازمند است. این یک وظیفه تاخیر ناپذیر تاریخی است که باید به آن پاسخ شایسته داد!

پس پرده نمایشات به اصطلاح عدالت جویانه واپس گرایان است. پورمحمدی در جریان همایش استانداران و معاونان عمرانی استانداری های سراسر کشور در پاسخ به انتقادات از دولت با صراحت خاطر نشان ساخت: "دولت در حال اجرای یک بازی بزرگ در داخل و خارج کشور است و لذا علاقمند نیست درگیر بحث هایی شود که برخی در افکار عمومی راه می اندازند. دولت مصمم است برنامه های مصوب را برای تحقق اهداف و آرمان های امام، انقلاب و رهبری تعقیب کند، آهنگ حرکتی مجموعه دولت نهم سرعت بیشتر برای پیشبرد اهداف نظام است. اولویت ما جبران عقب ماندگی های پایین جامعه است و باید کاستی های انباشته شده در طبقات پایین را که بر وسعت آنان نیز افزوده شده است، برطرف کنیم..." (به نقل از خبرگزاری آفتاب - ۷ آذرماه). یکی از مشخصه ها و ویژگی های این بازی بزرگ در داخل کشور تبلیغات پر سرو صدا پیرامون سهام عدالت است.

محمود احمدی نژاد در جریان چهارمین کنفرانس خبری خود در اواخر آبان ماه امسال، در باره سهام عدالت گفت: "این کار [سهام عدالت] تصدی گری های دولت را کاهش می دهد، کوچک کردن دولت، خروج دولت از تصدی گری و اقدام مستقیم در اقتصاد و رقابت کردن با مردم، کوچک کردن بخش اقتصادی دولت از شعارهای همه دولت ها تاکنون بوده است. از سال ۷۲ تا ۸۴ مجموعه واگذاری های دولت در بخش اقتصادی کمتر از سه هزار میلیارد تومان بود، اما طی یک سال اخیر و چهار ماه بعد از موافقت مقام معظم رهبری، دولت در اولین گام دو هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان از تصدی گری های اقتصادی خود را در قالب سهام عدالت به مردم واگذار کرد. توزیع سهام عدالت از پایین ترین طبقات درآمدی کار شروع شده و تا امروز ۴ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر اولین بخش سهام خود را دریافت کرده اند، هر عضو خانواده ۵۰۰ هزار تومان که به ۲ میلیون تومان خواهد رسید..." البته باید تاکید کنیم، این برنامه ابتکار دولت احمدی نژاد و ناشی از عدالت خواهی آن نیست. در جریان انتخابات ریاست جمهوری نهم این طرح تحت نام دیگری که در واقع همان طرح سازمان بورس بود. توسط هاشمی رفسنجانی به عنوان یکی از مهمترین و شاید اصلی ترین بخش برنامه وی مورد تبلیغ گسترده قرار گرفت. با شکست رفسنجانی و به قدرت رسیدن احمدی نژاد، همان طرح با نام و روش دیگری به اجرا گذاشته شده است.

پیش از این طرحی از سوی سازمان بورس و اوراق بهادار ارائه شده بود که طرح سهام عدالت بر اساس آن کپی برداری شده و قرار بود بیش از ۱۴۰ هزار میلیارد تومان از سهام شرکت های دولتی در اختیار ۱۴ میلیون خانوار ایرانی قرار بگیرد و کل ارزش سهام از محل سود سهام در مدت ۱۰ سال به دولت بازپرداخت شود. لازم است متذکر شویم که، همین



## \* ده دسامبر، روز جهانی حقوق

## بشر، و جنایتی به نام سنگسار

ده دسامبر برابر با ۱۹ آذرماه به نام روز جهانی حقوق بشر نام گذاری شده است. در سال ۱۹۴۸ در چنین روزی اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب رسید و به همین خاطر این تاریخ به روز جهانی حقوق بشر و پاسداشت آن تبدیل گردید. در حال حاضر این منشور در ردیف قوانین بین‌المللی قرار دارد و از دیدگاه آن همه افراد بشر از هر جنس و نژاد، در هر کجا که هستند، از حقوق برابر برخوردارند. نیروهای ترقی خواه و انسان دوست سراسر جهان در این روز یک بار دیگر همبستگی خود را با جهان شمول بودن حقوق بشر اعلام کرده و برای اجرای مواد آن، به ویژه در آن دسته از کشورهایی که حقوق شهروندان نقض می گردد، گام برمی دارند. واقعیت این است که برای نیروهای انسان دوست، موضوع حقوق بشر تقسیم ناپذیر است. سران رژیم آنجا که پای منافعشان در میان است، حقوق بشر را ترفند غرب می دانند. این درحالی است که گاه از جنبه تبلیغاتی برای کشورهای دیگر اشک تمساح ریخته و نقض حقوق شهروندان آنها را محکوم می کنند، درحالی که مردم زجر دیده و تحت ستم میهن ما از هیچ گونه حقوق شهروندی برخوردار نیستند. و حقوق انسانی آن‌ها در تمام عرصه‌ها نقض می‌شود. در این ارتباط برای نمونه هم که شده باید به نامه‌ای که اخیراً محمود احمدی‌نژاد به مردم آمریکا نوشته و مواردی را از جمله نقض حقوق بشر یادآور شده است، اشاره کرد. صرف نظر از این که در بسیاری از کشورهای جهان از جمله در آمریکا حقوق اساسی شهروندان زیر پا گذاشته می‌شود، ولی نامه نوشتن احمدی‌نژاد به مردم آمریکا، با توجه به وضعیت غم‌انگیز حقوق مردم میهن ما و نقض مداوم و همه جانبه آن در رژیم ولایت فقیه، را باید عوام فریبی بزرگ به حساب آورد.

در این باره باید یادآور شد که موضوع نقض حقوق بشر در رژیم استبداد زده حاکم بر کشور ما موارد عیدیه‌ای را در بر می‌گیرد. ما به مناسبت ۱۰ دسامبر، روز جهانی دفاع از

حقوق بشر، به موضوع مجازات غیرانسانی به نام سنگسار و اجرای آن در "آزادترین و اسلامی ترین" کشور جهان اشاره ای کوتاه می‌کنیم. حکم سنگسار در واقع جزئی از لایحه قصاص رژیم ولایت فقیه محسوب می‌شود و بخشی از قوانین جزایی حکومت اسلامی را تشکیل می‌دهد. و اکنون سال‌ها است که در ایران مورد اجرا قرار می‌گیرد. این گونه مجازات آن چنان ضد انسانی است که در صدر لیست بدترین مجازات‌ها در جهان قرار دارد. حکم سنگسار در طی سال‌های گذشته نیر بارها مورد اجرا قرار گرفته است. و هم‌اینک نیز تعداد ۱۲ تن (ده زن و دو مرد) در فهرست محکوم شدگان به سنگسار قرار دارند و در زندان‌های مختلف کشور در شرایط نگران کننده‌ای به سر می‌برند. در نتیجه خطر اجرای حکم سنگسار هر روز حیات آن‌ها را تهدید می‌کند.

خوشبختانه در حال حاضر تلاش‌ها و کارزارهای جدی تحت عنوان دادخواست برای حذف مجازات سنگسار از قوانین کشور در جریان است که هر روز دامنه آن وسعت می‌یابد. در این میان تلاش زنان میهن ما بسیار چشم‌گیر است. زیرا بخش عمده‌ای از فعالین این کارزارها را زنان تشکیل می‌دهند. این کارزارها از اعتراض گرفته تا جمع‌آوری امضا و نوشتن نامه سرگشاده به مقامات و سران رژیم را شامل می‌شود. یکی از دست‌آوردهای اولیه این اقدامات مطرح شدن حکم ضد انسانی سنگسار و حساس کردن افکار عمومی جامعه به موضوع نقض حقوق بشر در ایران است. با وجود سانسور حاکم بر مطبوعات و رسانه‌ها و سکوت مرگ‌بار صدا و سیما رژیم در این زمینه، این کارزار و مبارزات در سطح وسیعی در رسانه‌های نهادهای مدنی و سایت‌های گوناگون پژواک داشته و دامنه آن روبه گسترش است. برای مثال کارزاری در جریان است به نام "کمپین قانون بی سنگسار" که قصد آن جمع‌آوری امضا برای حذف مجازات سنگسار از قوانین کیفری کشور است. در بخشی از این دادخواست که در اغلب سایت‌های خبری انتشار یافته، چنین آمده است: "مجازات سنگسار در دنیای امروز آنچنان غیر انسانی و غیر قابل پذیرش است که حتی حکومت گران نیز از افزایش آن شرمگین بوده و اجرای آن را در ایران تکذیب می‌کنند. با این همه، این مجازات هم‌چنان بخشی از قوانین کیفری ایران را به خود اختصاص داده و اجرای آن بی هیچ تضمین جدی همواره در معرض بروز قرار دارد. ما امضا کنندگان زیر به شدت نگران اجرای حکم سنگسار به عنوان یک مجازات در نظام حقوقی ایران هستیم. با اینکه مقامات قضایی دستور توقف سنگسار را در بهمن ماه ۱۳۸۱ صادر کردند؛ اما اجرای سنگسار متوقف نشده است. در اردیبهشت ماه ۱۳۸۵ یک زن و یک مرد به نام‌های محبوبه م. و عباس ح. در مشهد سنگسار شده‌اند. پیش از سنگسار با این محکومان همچون مردگان رفتار شد؛ بدن‌هایشان در مرده شویخانه بر اساس موازین اسلامی غسل داده شد و سپس در کفن پیچانده شدند. محبوبه تا شانه، و عباس تا کمر، در خاک دفن شدند. این دو سپس از سوی جمعیتی که برای کشتن تدریجی آنان داوطلب شده بودند، هدف پرتاب سنگ قرار گرفتند در حالی که حتی خبر سنگسار آنان در رسانه‌های داخلی با عنوان اعدام منتشر شد. در پایان این دادخواست آمده است: ما امضا کنندگان زیر ضمن تاکید بر لزوم تغییر تمام قوانین خلاف حقوق بشر و تبعیض آمیز، بر این باوریم که هیچ جرمی مستحق مجازات سنگسار نیست و بدینوسیله لغو این مجازات غیرانسانی را خواستاریم."

در ارتباط با واکنش‌ها و اعتراضات گسترده جهت منع سنگسار، باید یادآوری کرد که اخیراً حتی برخی از مقامات قضایی ایران منکر وجود سنگسار هستند و معتقدند که چنین حکمی در ایران صادر نمی‌شود. از جمله این موضع‌گیری‌ها می‌توان به گفته‌های جمال کریمی‌راد، سخنگوی قوه قضاییه اشاره کرد که به تاریخ ۳۰ آبان در یک نشست خبری از سوی قوه قضاییه به انکار مجازات سنگسار پرداخت. وی در این نشست خبری ادعا کرد که "حکم سنگسار تاکنون در ایران اجرا نشده است." در پاسخ به این ادعا و در واقع دروغ‌گویی‌های آشکار سخنگوی قوه قضاییه است که فعالان کمپین قانون بی سنگسار در واکنشی با عنوان "درباره اظهارات سخنگوی قوه قضاییه" می‌نویسند: "علیرغم انکار مقامات قضایی و پارلمانی ایران مبنی بر اجرای مجازات سنگسار در ایران، شواهد و اسناد غیرقابل انکاری در دست است که نشان می‌دهد صبح روز ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۵ (امسال) دو نفر به نام‌های محبوبه م. و عباس ح. در بهشت رضای مشهد سنگسار شده‌اند. همچنین زنی به نام معصومه، محکوم به رجم، مرداد ماه امسال پس از انتقال از زندان رایجی شهر به زندان اوین، در یک اتاق در بسته حلق آویز شده است. زن دیگری نیز در اسفند ماه سال گذشته به جرم زناي محصنه در قزوین در ملاء عام به دار آویخته شده است. مقامات قضایی ایران نیک می‌دانند که طبق قواعد فقهی حاکم بر قوانین مجازات ایران، تبدیل حدود به مجازات‌های دیگر جایز نیست و عمل مقامات اجرای احکام در اعدام زنان به جای جاری کردن حکم رجم، خلاف مسلم قانون است." علاوه بر این، مطلب مورد اشاره در انتها با طرح پرسش‌های بجایی خواهان پاسخ‌گویی مقامات و سران رژیم می‌شود و چنین مطرح می‌کند: "صرفنظر از وجود شواهد غیر قابل انکار از اجرای احکام سنگسار در طول ۲۸ سال گذشته که چنین ادعایی را غیر قابل باور می‌سازد، نخستین پرسش هر شنونده‌ای در قبال چنین جمله‌ای این خواهد بود: اگر بپذیریم که حکم سنگسار تاکنون در ایران اجرا نشده است، پس چرا بر وجود این مجازات در قوانین چنین اصرار ورزیده می‌شود؟ اگر ۲۸ سال است که مجازاتی که نه تنها در لایحه حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۲ بلکه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (آزمایشی) که در مرداد ماه امسال مجدداً برای یک سال دیگر تمدید شده است مفصلاً و مشروحاً ذکر شده بلکه در آیین نامه اجرای

## ادامه نگاهی به رویدادهای ایران ...

احکام اعدام، قصاص، صلب و رجم نیز جزئیات اجرایی آن آمده است اجرا نشده است، چه لزومی دارد چنین قانون متروک و منسوخی که همه مقامات ایرانی از صدر تا ذیل سعی در انکار و پنهان نگه داشتن آن دارند، همچنان ۴۲ ماده از قوانین جزایی ایران را به خود اختصاص دهد؟ این از نمونه پرسش‌هایی است که برخی از مقامات قوه قضائیه رژیم ولایت فقیه را به دروغ‌گویی و انکار قوانین جاری خود واداشته است. در همین ارتباط لازم است که به بخشی از گفته‌های آیت‌الله منتظری اشاره کرد که اخیراً درباره موضوع سنگسار در پاسخ به برخی پرسش‌ها عنوان کرده و در سایت "روز" منعکس شده است. این گفت‌وگو در ارتباط با کارزار منع و لغو حکم سنگسار و فعالیت‌های احزاب، و نیروهای سیاسی اجتماعی صورت گرفته است. منتظری در مخالفت با حکم سنگسار چنین نظر می‌دهد: "اقرار شرعی باید تحت شرایطی از جمله آزادی و اختیار کامل اقرار کننده و بدون ارباب و ترس و در شرایط طبیعی بوده باشد و اساساً اقرار در زندان و یا تحت فشار موضوعیت ندارد و اگر بعد از چهار مرتبه اقرار، انکار کرد رجم اجرا نمی‌شود."

به گفته آیت‌الله منتظری: "مجازات رجم در زمانی تشریح گردید که در عرف زمان، مجازاتی خشن و دور از کرامت ذاتی انسان تلقی نمی‌شد... هدف از رجم، در فرض اقرار، کشتن و اعدام مجرمین به این شکل نبوده است، بلکه هدف فقط شروع به اجرا این حد برای تحقیر مجرم بوده است به شکلی که امکان فرار برای آن‌ها وجود داشته باشد و در صورت فرار - در موردی که با اقرار ثابت شده باشد - نباید مجدداً دستگیر و کشته شوند." گفته‌های آیت‌الله منتظری به اندازه کافی گویای ابعاد ضد انسانی حکم سنگسار در جمهوری اسلامی است.

## ۲۱ آذر، تبلور خواست‌های مردم ایران در آذربایجان

۶۱ سال پیش، در روز ۲۱ آذر، خلق آذربایجان، در یک حرکت انقلابی و تاریخی، با در اختیار گرفتن قدرت حکومتی در آذربایجان، فصل نوینی را در تاریخ معاصر ایران رقم زدند و نشان دادند که "راه دیگری" نیز وجود دارد. بیش از ۲.۵ میلیون نفر از مردم آذربایجان، در این روز تاریخی به پای صندوق‌های رای رفتند و "کنگره ملی" آذربایجان را برای تشکیل حکومت ملی آذربایجان فراخواندند.

تشکیل حکومت ملی آذربایجان، به رهبری سید جعفر پیشه‌وری، صدر فرقه‌ی دموکرات آذربایجان، نخستین بخش از تلاش‌های خلق‌های محروم و ستم‌دیده‌ی میهن ما در تشکیل یک حکومت دموکراتیک و مردمی، با هدف اصلاحات عمیقاً مردمی بود.

حکومت ملی آذربایجان با اصلاحات عمیقاً مردمی خود، خواستار پیروگی بر واپس‌ماندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آذربایجان، تأمین حقوق دموکراتیک مردم، نه تنها در آذربایجان، بلکه در سراسر ایران بود. حکومت ملی آذربایجان در طول یک سال حیات خود، به اصلاحات وسیع و گسترده‌ی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ای زد که نه تنها در آذربایجان، بلکه در سراسر کشور بی‌سابقه بود. اصلاحات ارضی سراسری از طریق تقسیم رایگان اراضی متعلق به دولت و املاک مالکین میان یک میلیون خانوار از روستاییان آذربایجان، بازسازی و راه‌اندازی کارخانه‌های قدیمی، برنامه‌ی وسیع برای تأسیس کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی جدید، اقدامات گسترده و چشم‌گیر در راه پیشرفت فرهنگ، بهداشت و آموزش و پرورش، تأسیس دانشگاه، توسعه‌ی مطبوعات، ایجاد رادیو، تشکیل اداره‌ی "هنرهای زیبا"، تأسیس تئاتر دولتی، ایجاد جمعیت شاعران و ادیبان آذربایجان و ارکستر فیلارمونیک، در کنار شرکت زنان در انتخابات (برای انتخاب کردن و انتخاب شدن، با رای برابر با مردان) مبارزه‌ی وسیع با بیسوادی و

تدریس زبان آذری همراه با زبان فارسی در مدارس، در مدت بسیار کوتاهی، آنچنان آذربایجان را دگرگون کرد و آوازه‌ی این اقدامات ملی و مترقی آنچنان ایران را فرا گرفت که ارتجاع حاکم و اربابان امپریالیستی آن سخت از عواقب کار به هراس افتادند.

حکومت ملی آذربایجان برای نخستین بار در ایران و منطقه نشان داد که، در چارچوب حکومت مرکزی و با خودگردانی سیاسی، می‌توان تحولات عمیق اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را به وجود آورد و به همین دلیل مورد خشم ارتجاع حاکم و حامیان امپریالیستی آن قرار گرفت. رژیم شاه با هراس از اشاعه‌ی تحولات آذربایجان در سراسر کشور، و خطر از هم پاشیدن رژیم پوسیده‌ی خود، با همکاری امپریالیسم، تبلیغات وسیعی تحت عنوان "وطن فروشی" و "تجزیه طلبی" را بر ضد حکومت جوان و نوپای آذربایجان آغاز کرد.

رژیم شاه با زیر پا قرار دادن تمامی معاهده‌ها و توافق‌نامه‌هایی که با دولت آذربایجان و در پی به رسمیت شناختن دولت آذربایجان داشت، یک سال پس از تأسیس حکومت ملی، به آذربایجان لشکر کشی کرد و به یکی از فجیع‌ترین جنایات تاریخ معاصر کشور دست زد که به جرات آن را می‌توان "نسل‌کشی" یک خلق نامید.

جنایات فرماندهان ارتش شاه آنچنان فجیع بود که حتی فرستاده‌ی ویژه دولت آمریکا در ایران - "قاضی داگلاس" - نیز تحت تأثیر آن قرار گرفته و در گزارش خود از سفرش به آذربایجان نوشت: "ارتش ایران در مسیر خود آثار بسیار برجای گذاشته است. ریش دهقانان را آتش زدند، به ناموس زنان و دختران آنان تجاوز کردند، خانه‌ها را به غارت بردند، دام‌ها را دزدیدند... زندان‌ها مملو از آذربایجانی‌های بی‌گناه است. چوبه‌های دار و اعدام فراوان است... یک دهقان پیر آذربایجانی به ما گفت: مال و حیثیت ما را پایمال کردند، آثار این حوادث جگر سوز هرگز از خاطر آذربایجانی‌ها زدوده نخواهد شد."

حکومت ملی آذربایجان نشان داد که می‌توان با اتکا به توده‌ها و برنامه‌های مترقی و دموکراتیک، اصلاحات چشمگیر و درخشانی را در راه تحقق منافع توده‌های زحمتکش انجام داد.

حکومت شاه، با دستگیری و دستور اربابان امپریالیست خود، از هراس گسترش این تحولات به سراسر کشور، آنچنان که در کردستان روی داد، با یورش دد منشانه به آذربایجان و سپس به کردستان و در پی آن توطئه‌ی غیر قانونی کردن حزب توده ایران، یگانه حزبی که از همان اولین روز تشکیل حکومت‌های ملی در آذربایجان و کردستان به پشتیبانی و همکاری با آنها پرداخت و دوشادوش آنها در مبارزات شان جنگید، توطئه‌ی وسیع خود برای سرکوب جنبش رو به رشد کشور و آماده کردن شرایط برای غارت کشور را، تکمیل کرده و به انجام رسانید.

پس از این سرکوب و به دنبال آن کودتای ۲۸ مرداد و حاکم شدن جو خفقان و ترور در کشور، دستگاه‌های تبلیغاتی شاه با پشتیبانی اربابان خارجی خود، تمام توان خود را به کار بردند تا با تبلیغات وسیع و با ارایه‌ی مشتکی تحریف و دروغ، واقعیت‌های این جنبش عظیم و مردمی را وارونه جلوه دهند و متأسفانه هنوز برخی، به رغم افشای حقایق در مورد این جنبش، همچنان تحریف‌های دستگاه ارتجاعی و جنایت کار شاه را، به عنوان شاهد برای محکوم کردن این جنبش، به کار می‌گیرند.

اما با وجود تمامی این تحریف‌ها، دروغ‌ها و لجن‌پراکنی‌ها، حکومت ملی آذربایجان یکی از نمونه‌های درخشان و فراموش‌نشده مبارزات خلق‌های ایران در راه دست‌یابی به حقوق خود و برپایی ایرانی آزاد، دموکراتیک و مستقل است. مشعلی که نهضت ملی آذربایجان شصت سال پیش در قلب میلیون‌ها هموطن آذری و سایر خلق‌های ایران بر افروخت، امروز همچنان در دستور کار نیروهای ملی و دموکراتیک میهن مان قرار دارد.

**آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!**

## ادامه سالروز رویداد تاریخی ۱۶ آذر...

به طرز ددمنشانه ای هجوم آورده و بدین سان پنج سال پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل موازین قانونی و حقوقی و اخلاقی آزادی بیان و مطبوعات و فعالیت های مدنی را نقض کرده بودند و حکومتی مستبد و بی اعتنا حتی به همان قانون اساسی مشروطه را تحکیم بخشیده بود. سالروز این رویداد مهم در

حالی گرامی داشته می شود که کلاً اوضاع و احوال پر تنش بر جامعه ما مستولی است و فعالان دانشجویی در تلاش پیوند بیشتر با جنبش سراسری مردم و حرکت های کارگران، زنان، و روشنفکران است.

یک سال و نیم پس از برگماری رئیس جمهوری جدید که (با حمایت ولی فقیه و قوای دیگر) برنامه کاری اش در امور داخلی سردادن شعارهای پوپولیستی و وعده

های بی پشتوانه در زمینه اقتصاد و رفاه حال محرومان از یک سو، و سرکوب دانشجویان، سندیکای مستقل کارگری، تعطیل روزنامه ها و اعمال سانسور شدید بر نشریات و کتاب، فیلتر گذاری سایت های اینترنتی، و باز گذاردن دست انگل های اقتصادی و اجتماعی، و در نتیجه گرانی و فقر روز افزون از سوی دیگر، و سیاست استقبال از بحران و گسترش دادن هر چه بیشتر آن در عرصه بین المللی است می گذرد. چنین سیاست هایی بی تردید به منظور بهره برداری از جنجال های حاصل از آنها در پوشیده نگهداشتن چپاول منابع مردم و سرازیر کردن شان به کیسه نهادهای انگلی و ایجاد بستری مطمئن برای این چپاول ها، که لزوماً با سرکوب هر گونه بیان معترض یا انتقاد گری همراه است. یکی از چشمه های جوشان بیان معترض و انتقاد گری همواره دانشجویان و محیط های دانشجویی بوده است.

آشکار است که فشارهای همه جانبه ای به منظور سرکوب دانشجویان آگاه و حاضر در عرصه اعتراض و انتقاد، و از ریشه کندن کل حرکت دانشجویی، و تبدیل دانشگاه ها به پرورشگاه موجوداتی از سنخ بسیجی تدارک دیده شده است. این تدارک در اقدامات و تصمیم هایی که به ویژه در ماه های اخیر از سوی کمیته های انضباطی برای محروم کردن دانشجویان از تحصیل، ممنوع الورد کردن آنان به دانشگاه ها، کتک زدن ها، اهانت ها، چاقو و چماق کشی ها، که دیگر جزو رفتارهای معمول نسبت به دانشجویان شده است، مشاهده می شوند. ماجرای ستاره دار کردن دانشجویان، با وجود صلاحیت علمی شان، ممانعت از ادامه تحصیل آنان، و فاجعه بارتر از همه اینها، به قتل رساندن آنان توسط چاقو کشان مزدور یا در زندان ها با ترفند های زندان بانی و امنیتی (اکبر محمدی ها و ...) . به موازات اینها، باز نشسته کردن استادانی که با سلیقه حاکمان دمساز نیستند، و تاثیر چنین اقدام هایی بر روند علمی و اجتماعی دانشجویان، همه حکایت از تدارک یک "انقلاب فرهنگی" دیگر دارد. هر چند که "انقلاب

فرهنگی" کذایی رسماً مدت هاست پایان یافته، اما ظواهر امر چنین نشان می دهد که همچنان در شکل های گوناگونی از تصفیه و حذف به روند خود ادامه می دهد و از این به بعد دشواری هایی در برابر تحصیل و فعالیت های اجتماعی دانشجویان به وجود خواهد آورد. گزارش تشکل مستقل قانون مدافعان حقوق بشر (در ایران)، که وضعیت حقوق بشر در ایران در شش ماهه گذشته سال جاری را بررسی

کرده است به "بیش از ۱۳۰ مورد احضار دانشجویان در کمیته های انضباطی دانشگاه ها... و احضار این دانشجویان به مجتمع های قضایی و محکومیت آنان" و محرومیت بیش از ۵۰ دانشجو از تحصیل اشاره می کند (بی بی سی، ۳۰ مهر). نقش دانشجویان در پیروزی انقلاب بهمن و حضور فعال آنان در عرصه های خطیر زندگی جامعه، این حقیقت تاریخی را که مهر تجربه بر آن خورده است به روشنی بیان می دارد که نیروی دانشجویی بخش جدایی نا



پذیری از نیروی مردمی است، مردمی که خواهان عدالت اجتماعی و آزادی اند. دانشجویان در هر اوضاع و احوال حساس و سرنوشت سازی متحد طبیعی توده های زحمت اند، و بی دلیل نبود و نیست که هم در رژیم شاه و هم در رژیم ولایت فقیه سرکوب می شوند، اهانت می بینند، از آنان به عنوان "راذل و اوباش" نام می برند، شکنجه می شوند، به قتل می رسند، چرا که حرکت آنان آهنگ نبض جنبش را تندتر می کند و به پویایی آن یاری می رساند. بی تردید نیروی نو اندیش، بالنده و جوان دانشجویی با اتحاد خود با دیگر نیروهای خواستار عدالت اجتماعی، با نیروی زحمتکشان، زنان، جوانان، و روشنفکران بر سرنوشت جنبش عدالت جویانه میهن ما تاثیر قاطع خواهد داشت.

جنبش دانشجویی میهن در شرایط دشوار کنونی با آزمونی دشوار و پر اهمیت رو به روست. ارتجاع حاکم همه ابزارهای خود را برای درهم شکستن جنبش سازمان یافته دانشجویی به کار انداخته است و تنها با اتحاد عمل، هماهنگی و کار مشترک با دیگر نیروهای اجتماعی است که می توان توطئه های ارتجاع را با شکست روبه رو کرد. تاریخ پر شور مبارزات جنبش دانشجویی کشور حاکی از استواری و توان آن در مقابل تهاجمات دشمنان مردم میهن ماست. این بار نیز بی شک به یاری و با همبستگی همه نیروهای مترقی و آزادی خواه میهن جنبش دلیر دانشجویی کشور بر دشواری های پیش رو غلبه خواهد کرد و از آزمون کنونی سربلند بیرون خواهد آمد.

فرخنده باد ۱۶ آذر سالروز تولد جنبش دانشجویی و شعار اتحاد، مبارز، پیروزی. باهم در راه طرد رژیم ولایت فقیه و استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی.

## ادامه نمایندگی کمیته مرکزی حزب ...

## ترور "پی یر جمیل"، منافع چه کسانی را تامین می کند؟

پی یر جمیل، وزیر صنایع دولت لبنان، در روز سه شنبه ۳۰ آبان، در شرق بیروت به دست افراد مسلح ناشناس، به قتل رسید. این خبری بود که خبرگزاری های جهان، در این روز با پوششی وسیع آن را منتشر کردند و به طور غیر مسئولانه و سؤال برانگیزی مسئولیت این ترور مشکوک را به دوش مقامات دولت سوریه انداختند. "سعد حریری" رییس فراکسیون اکثریت در پارلمان لبنان، بلافاصله پس از وقوع قتل، انگشت اتهام خود را به سوی سوریه نشانه رفت و دولت بشار اسد را مسئول قتل پی یر جمیل دانست (بی بی سی، ۳۰ آبان ۱۳۸۵).

جرج بوش نیز روز بعد از ترور، ضمن متهم کردن ایران و سوریه گفت: "آمریکا از استقلال لبنان در برابر دست اندازی ایران و سوریه دفاع خواهد کرد (اسوشیتد پرس ۱ آذر ۱۳۸۵). سایر رسانه های انگلیسی و آمریکایی نیز با برجسته کردن مواضع سیاسی ضد سوری "پی یر جمیل"، تلاش کردند تا سوریه را عامل ترور معرفی کنند. اما باید دید در شرایط بفرنج و بحرانی لبنان و منطقه، این اقدام تروریستی منافع چه کسانی را تامین می کند و چرا در چنین شرایطی صورت می گیرد؟ این چندمین ترور پس از قتل "رفیق حریری" در سال گذشته است. بنا به گزارش بی بی سی در روز ۳۰ آبان ۱۳۸۵، "پس از ترور آقای حریری، ۲۴ اقدام تروریستی دیگر نیز در لبنان صورت گرفته است. این ترورها، به ویژه پس از ترور "حریری" ترور های حساب شده و دقیقی به نظر می رسند که به سرعت توانسته اند جو ضد سوری را در لبنان افزایش و نفوذ سنتی سوریه در این کشور را کاهش دهند. پس از قتل "حریری"، دولت سوریه تحت فشار جدی بین المللی قرار گرفت و مجبور شد تا نیروهای خود را از لبنان خارج سازد، هرچند که در آن زمان نیز دولت سوریه هرگونه ارتباطی را با این قتل انکار کرد، اما با این حال فشار زیادی از سوی آمریکا و اسرائیل، بر این کشور وارد شد. در شرایط کنونی نیز، در زمانی که نوک تیز حملات آمریکا و اسرائیل بر ضد سوریه متوجه است، احتمال سازماندهی و یا دخالت سوریه در چنین ماجراجویی ای، تا حدود زیادی غیر منطقی و غیر ضروری می نماید. این شرایط موقعیت بسیار دشواری را برای سوریه فراهم آورده است و به سختی می توان بر این باور بود که چنین خطای فاحشی از سوی سران سوریه سر بزند. علاوه بر این ها باید دید که سوریه با چنین تروری چه چیزی را به دست می آورد؟ آیا این حرکت سودی را برای سوریه در بر خواهد داشت یا منبع فشار های بیشتری از سوی آمریکا و اسرائیل خواهد شد؟ آنچه در این مدت کوتاه، پس از قتل "جمیل"، نمایان گر شده، جو کاملاً متشنج و بحرانی است که بر لبنان حاکم شده و افزایش اختلافات درون دولت است. بنا به گزارش "تایمز خلیج" در ۲ آذر ۱۳۸۵، "ترور پی یر جمیل، لبنان را قدم دیگری به سوی شرایط سیاسی خطرناک می برد، آنچه که مدتی است آغاز شده ... کشتار، آشکارا بخشی از روند ایجاد عدم ثبات است که با ترور نخست وزیر سابق، رفیق حریری، آغاز شد." به طور یقین نیروهایی، چه در داخل و چه در خارج از لبنان وجود دارند که مایل نیستند مشکلات مصنوعی ایجاد شده بین سوریه و لبنان حل شود و مایلند این دو کشور هرچه بیشتر روابط تیره و پر جنجال خود را ادامه دهند. خاور میانه، به ویژه عراق، در شرایط بحرانی و سختی به سر می برد، درگیری ها و کشتار مردم در عراق رو به فزونی است و در چند هفته اخیر صحبت از فشار به آمریکا برای مذاکره با ایران و سوریه در مورد حل مسئله ی عراق بوده است.

دولت بوش که پس از اشغال عراق، عمده ترین دلایل نا آرامی ها در این کشور را دخالت های ایران و سوریه اعلام کرده است، قاعدتاً تمایلی به چنین مذاکراتی ندارد. با کشته شدن یکی از اعضای دولت لبنان، که شدیداً "ضد سوری" است، تمام توجهات به سوی سوریه، به عنوان "عامل ترور" معطوف شده است و این فرصتی مناسب برای بوش است تا از مذاکره با سوریه طفره برود و شرایط عراق را آنگونه که مایل است، حفظ کند. از سوی دیگر، چنین حرکتی وضعیت متشنجی را در لبنان بوجود می آورد و هرگونه خواست منطقی و منطبق بر قانون اساسی کشور برای تشکیل یک دولت ائتلاف ملی را "اقدامی کودتایی" جلوه خواهد داد. و این در شرایطی است که مردم و نیروهای سیاسی ملی - مردمی لبنان غلبه بر بحران موجود و ایجاد ثبات در کشور نیاز به آرامش و حرکتی قانونمند در جهت اجرای قانون اساسی دارند. عدم ثبات در لبنان، دولت این کشور را در موضع ضعف در برابر نیروهای خارجی، به ویژه اسرائیل، قرار می دهد، یعنی کشوری که در تابستان امسال، در تجاوزی جنایت کارانه، بخش وسیعی از کشور و پایتخت آن را ویران کرد و صدها هزار تن از مردم لبنان را کشته، زخمی و آواره کرد. ادامه چنین شرایطی توان حرکت و تعیین موضع دولت لبنان را از بین خواهد برد و در این میان اسرائیل، کماکان، با بهره جویی از این موقعیت، شرایط خود را به لبنان تحمیل خواهد کرد و راه گشای سیاست های کلی ایالات متحده در منطقه خواهد بود.

گفتگو کردند. خبرنگار روزنامه ی مترقی "هالونوینی" [روزنامه ی چپ نزدیک به حزب کمونیست چک و موروی] در روز اول کنفرانس مصاحبه ی مشروحی با نماینده ی حزب ما انجام داد که در صفحه ی اول این روزنامه چاپ شد. جلسات کنفرانس از غنای سیاسی - تئوریک بالایی برخوردار بود. برای آشنایی خوانندگان تنها به چند مورد که موضوع تاکید بیشتر سخنرانان بود، به اختصار اشاره می کنیم:

- لیگاری مالی بازپریگذاشتن حق حاکمیت ملت ها، قدرت سیاسی اش را هم جهانی می کند؛  
- جهانی سازی سرمایه داری حق تصمیم گیری اکثریت قاطع انسان ها در باره ی مسائل مهم زندگیشان را سلب می کند و توده های میلیاردری را به فقر و فلاکت دچار می کند؛

- حتمتکشان امروز حتی گاه در شرایطی بد تر از پرولتاریای قرن نوزدهم به سر می برند. سرمایه داری میلیون

ها انسان را فقط برای چند روزی حتی چند ساعت به کار می گیرد. برده داری در هزاره ی سوم؛

- هدف اصلی "جنگ بر ضد تروریسم" انحصاری کردن سلطه ی امپریالیسم بر منابع طبیعی جهان است؛

مخالفت قاطعانه ی شرکت کنندگان در کنفرانس نسبت به تروریست خواندن نیروهایی که به خاطر حقوق ملی و اجتماعی خود مبارزه می کنند؛

شرکت کنندگان در کنفرانس در پایان دو قطعنامه ی مهم - یکی در اعتراض به ممنوع کردن اتحادیه ی جوانان کمونیست در جمهوری چک (که ما در شماره قبل نامه مردم بیانیه مشابهی را به چاپ رساندیم) و دیگری در محکومیت توطئه های خسونت بار جهت جداسازی کوسوو از جنوب صربستان - را به اتفاق آرا به تصویب رساندند.

در قطعنامه ی کنفرانس "کمونیست ها و سایر نیروهای دموکرات برای حقوق بشر و دموکراسی - فعالانه بر ضد آنتی کمونیسم" در مخالفت با تغییر خسونت آمیز مرزهای کشوری در بالکان، اروپا و جهان آمده است:

"احزاب کمونیست و دموکرات شرکت کننده در کنفرانس بین المللی که در روزهای ۲۵ و ۲۶ نوامبر در پراگ بر گزار شد، مخالفت خود را با تغییرات خسونت بار مرزهای کشوری در بالکان، اروپا و سایر مناطق جهان اعلام، و خواهان رعایت مفاد بیانیه ی سال ۱۹۷۵ هلسینکی می باشند. در انطباق با روح این قطعنامه، شرکت کنندگان مخالف جداکردن بخش جنوبی صربستان - کوسوو، و اعلام آن به عنوان "کشور مستقل" می باشند. شرکت کنندگان در کنفرانس خواهان احترام و رعایت کامل منشور سازمان ملل متحد و موازین حقوق بین الملل در دفاع از هم گرایی و استقلال کشورهای عضو سازمان ملل متحد هستند."

نمایندگان هنگام خروج از محل کنفرانس این نکته را در ذهن تکرار می کردند: "شکست تهاجم به عراق و افغانستان و آپروریزی اسرائیل در لبنان، پیروزی چپ ها در چند کشور آمریکای لاتین وده ها واقعه ی دیگر نشان می دهد که "پیروزمندان در جنگ سرد" نیز قادر مطلق نیستند. متوقف کردن آن ها و بازگشت به مسیر تحول و ترقی هدف درجه ی اول کمونیست ها و همه ی نیروهای دموکرات است: نکته ای که همه دقایقی پیش با آن توافق کرده بودند.



ایدئولوژیک بورژوازی در مبارزه با طبقه ی کارگر و ایدئولوژی سوسیالیسم علمی است. "آنتی کمونیسم نا آگاهانه" محصول عدم آگاهی طبقاتی، عدم آگاهی اجتماعی و نیز به میزان قابل ملاحظه به خاطر تاثیر تبلیغات بورژوازی است.

کمونیست ها در تمام دوران تاریخ مبارزانشان نه تنها زیر آتشبار مستقیم بلکه همزمان تحت فشار روانی دشمن طبقاتی قرار دارند. این فشار روانی بعد از فرو پاشی ابعاد گسترده تری یافت. پیدایش نظریاتی مانند "دولت بدون ایدئولوژی"، "چپ مدرن" حذف کلمه ی کمونیست از نام احزاب و یا حتی این ادعا که "روند جهانی شدن در برگیرنده ی منافع مشترک همه ی ماست" نتیجه ی نا میمون این جنگ های روانی است. کمونیست ها در سراسر جهان سرنوشت مشترکی داشته و دارند... به افسانه هایی که بورژوازی در گوش ما زمزمه می کند می توانیم گوش کنیم، ولی باورکردنشان زبانی جبران ناپذیر به بار می آورد. این افسانه ها برای خواب کردن ماست.

**زنده باد سوسیالیسم.**

در جریان کنفرانس گروه زیادی از نمایندگان احزاب و برخی از شخصیت های سیاسی کشور میزبان با نماینده ی حزب توده ی ایران دیدار و

**ادامه در صفحه ۷**

**کمک های مالی رسیده**

به یاد رفیق شهید معلم از فرانکفورت ۱۰۰ یورو  
به مناسبت ۶۵ مین سالگرد حزب  
فرامر از شرق ۱۰۰۰ دلار  
به یاد رفیق صفر قهرمانی ۱۰۰ دلار کانادا

**شرکت هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران**

**در کنفرانس بین المللی "کمونیست ها و سایر نیروهای دموکرات برای حقوق بشر و دموکراسی در اروپا و جهان - فعالانه بر ضد آنتی کمونیسم"**

سخنرانی خود ضمن ابراز همبستگی حزب توده ی ایران و کمونیست های ایرانی با اتحادیه ی جوانان کمونیست اظهار داشت: "آزادی، دموکراسی و حقوق بشر در ایران به شدت لگد مال می شود. ایران هم اکنون یکی از سیاه ترین دوران های تاریخ خود را از سر می گذراند. دخالت رژیم اسلامی نه تنها عرصه ی اجتماعی که حتی کوچک ترین زوایای زندگی خصوصی شهروندان را در حد غیر قابل تحملی در بر می گیرد. این روند به سوی وخیم تر شدن پیش می رود. حزب توده ی ایران مبارزه برای رعایت حقوق بشر را بسیار با اهمیت و کلیدی، هم در راه گسترش دموکراسی و هم برای برقراری عدالت اجتماعی در میهن ما، می داند. و به همین خاطر کلیه ی نیروهای چپ و دموکرات و ترقی خواه را صرف نظر از ایدئولوژی و تعلق سازمانی، به مبارزه ی مشترک برای رعایت حقوق بشر در ایران، فرا می خواند." وی در بخش دیگری تاکید کرد: "آن "دموکراسی" و "حقوق بشر"ی که آمریکا و متحدانش در ناتو با توپ و تانک و بمب و موشک به ارمان می آورند را قاطعانه رد می کنیم. ما به شدت با این دروغ بزرگ که آمریکا حامل دموکراسی و حقوق بشر است مخالفیم و با تمام توان آن را افشاء می کنیم."

نماینده حزب ما در جای دیگری از سخنانش به تشدید کارزار ضد کمونیستی سرمایه داری اشاره کرد و گفت: "آنتی کمونیسم در اصل بازتاب

به دعوت حزب کمونیست چک و موراوی، در روزهای ۴ و ۵ آذر ماه (۲۵ و ۲۶ نوامبر) کنفرانس بین المللی "کمونیست ها و سایر نیروهای دموکرات برای حقوق بشر و دموکراسی در اروپا و جهان - فعالانه بر ضد آنتی کمونیسم" با شرکت ۴۲ حزب کمونیست و چپ از سی کشور جهان در پراگ، پایتخت زیبای جمهوری چک برگزار شد. نماینده ی کمیته مرکزی حزب توده ی ایران نیز از شرکت کنندگان فعال این گرد هم آیی مهم بین المللی بود.

در پیام گشایش کنفرانس، رفیق شارفو، مسئول امور بین المللی حزب کمونیست چک و موراوی، هدف کنفرانس را "فراهم آوردن امکان تبادل نظر متقابل و رد و بدل کردن اطلاعات برای هماهنگی فعالیت کمونیست ها و نیروهای مترقی و دموکرات در مبارزه ی مشترک بر ضد آنتی کمونیسم" دانست. رفیق فیلیپ، رهبر حزب کمونیست چک طی سخنرانی مسیوطی تاکید کرد که حقوق بشر، همبستگی، زندگی بهتر، حقوق برابر و پیشرفت و ترقی از آغاز اجزای جدایی ناپذیر جنبش کمونیستی بودند. وی با اشاره به روند اوج گیری گرایشات ضد کمونیستی بعد از سال ۱۹۸۹ و موانع و مشکلاتی که برای کمونیست ها ایجاد می شود، نسبت به گرایشات فاشیستی قدرتمندان هشدار داد.

نکته ی برجسته در جریان کنفرانس، همبستگی پرشور کلیه ی شرکت کنندگان با اتحادیه ی جوانان کمونیست بود که چندی پیش با تصمیم غیر قانونی و غیر دموکراتیک وزارت کشور جمهوری چک محل اعلام گردید. نماینده ی حزب ما در



مبارزه ی طبقاتی است. با گسترش و ژرفش بحران سرمایه داری و حادث شدن مبارزه طبقاتی، آنتی کمونیسم هم شدت می گیرد و در اشکال متفاوتی بروز می کند. قابل توجه است که همیشه می توان دو نوع "آنتی کمونیسم آگاهانه" و "آنتی کمونیسم نا آگاهانه" را همراه و در کنار یکدیگر مشاهده کنیم. "آنتی کمونیسم آگاهانه" ابزار

محل اعلام گردید. نماینده ی حزب ما در

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

- آدرس های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
آدرس های اینترنت و "ای-میل" http://www.tudehpartyiran.org  
E-Mail: dabirkhaneh\_hti@yahoo.de

7 December 2006

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰  
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRANe.V.  
شماره حساب 790020580  
کد بانک 10050000  
بانک Berliner Sparkasse

Nameh Mardom No. 753  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran